

ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران

استاد مظاهری

درس اول

تبیین و اهمیت موضوع

• مقدمه

بحث تاریخ معاصر در این است که مهم ترین مؤلفه و شاخصه دوران کنونی، از کدام دوره زمانی آغاز شده است و بعبارۀ آخری - مبدأ زمانی مهم ترین مؤلفه دوران کنونی چیست؟

- در این باره ۲ قول است:
- ۱- روشنفکران: مهم ترین مؤلفه دوران کنونی، آشنایی با غرب است و مبدأ زمانی آن جنگ های ایران و روس است.
 - ۲- متشرعۀ: مهم ترین مؤلفه دوران کنونی، تشیع ایرانیان است و مبدأ زمانی آن دوره صفویه است.

• ضرورت بحث

سؤال: ضرورت درسی به نام ریشه های انقلاب اسلامی چیست؟

۱. ضرورت شناخت تاریخ

- فرمایش امام علی (علیه السلام) به امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره ضرورت فراگیری تاریخ
 - تاریخ با مسائل عقیدتی ما گره خورده است مثل غصب خلافت و حادثه کربلا
 - علاوه بر اینکه هر قومی باید تاریخش را بشناسد. قومی که به تاریخش آگاهی ندارد، زنده نیست و نمی تواند بر سرنوشت خود مسلط باشد. به عبارتی آگاهی بر سرگذشت، تسلط بر سرنوشت را پدید می آورد.
 - همچنین تاریخ ایران با تاریخ اسلام گره خورده است مثل بحث های ایرانی گری، پان ایرانیسم، مکتب ایرانی
 - علاوه بر این بحثی داریم با عنوان «فلسفۀ تاریخ». شناخت تاریخ دو صورت دارد:
- (۱) صورت اول شناخت یک واقعه به صورت مجزا و مستقل است.
- (۲) صورت دوم شناخت یک واقعه در سلسله علل و وقایع تاریخ است. که به آن فلسفۀ تاریخ می گویند.
- فلسفۀ تاریخ یعنی جایگاه کنونی ما در تاریخ بشری چیست؟ با این نگاه، انقلاب به عنوان یک واقعه تاریخ تأثیر گذار در تاریخ بشری مورد بررسی قرار می گیرد و رسالت جهانی و تاریخی خواهد داشت و آن رسالت جهانی، مقدمه سازی برای ظهور حضرت حجت (علیه السلام) است که از کلمات امام خمینی (رحمه الله) و مقام معظم رهبری چنین استفاده میشود.
- شاهد: بر اینکه از نظر امام خمینی (رحمه الله) رسالت جهانی انقلاب ما، مقدمه سازی برای ظهور حضرت حجت (علیه السلام) است، این است که مخاطب بیشتر سخنان امام خمینی (رحمه الله) مردم جهان هستند نه فقط مردم ایران.
 - نظیر: بعثت انبیاء (علیهم السلام) بر دو نحوه بوده است: (۱) قومی، محله ای، قبیله ای: که مخصوص یک منطقه جغرافیایی خاص بوده است. (۲) فراقومی، فرامنطقه ای: که مخصوص به منطقه شروع بعثت نیست، بلکه آرمان های جهانی و فرامنطقه ای دارد. ← انقلاب اسلامی ایران دارای پیام ها و آرمان های جهانی است و این آرمان ها مخصوص به منطقه شکل گیری یعنی ایران نیست.

۲. بازیابی و یادآوری هویت

- هویت چیست؟ هویت، وضعیتی است که ما را از اقوام دیگر متمایز میکند. هویت بیانگر وجوه ممیزه برای انسان است.

- هویت کنونی ما توسط انقلاب شکل گرفته است. وجه ممیزه ما به انقلاب اسلامی است. انقلاب هم به مردم ایران و هم به مسلمانان هویت داده است، خصوصاً اینکه باعث احیای مجدد شیعه شد. چرا که انقلاب در مقابل غرب و تفکر غربی صورت گرفته است. بنابراین یا در جبهه انقلاب هستیم و یا در جبهه غرب. مثل این می‌ماند که بگوییم میان خدا و شیطان و طاغوت باید یکی را انتخاب کرد. یا در ولایت الهیه هستیم و یا در ولایت شیطان.

- **شاهد: ۱)** این انقلاب بی نام خمینی در هیچ کجای دنیا شناخته شده نیست.

۲) دوست طلبه‌ای نقل می‌کرد که به یکی از کشورهای آسیای میانه رفته بودم پسر بچه‌ای با من مواجه شد و خواست به من بفهماند که می‌داند من ایرانی هستم. دیدم اشاراتی می‌کند و اسم خمینی را به زبان می‌آورد. انگار احساس کرد که منظورش را درست نرسانده دنبالش دیدم به سرش می‌زند و می‌گوید حسین حسین

۳. بازنگری حرکت و ضرورت تصمیم‌گیری حال و آینده

ما چرا باید نسبت به تصمیم گذشته‌ها، هزینه بپردازیم؟ باید بینیم تصمیمی که پدران ما گرفتند بر چه مبنایی بوده است. چرا ما باید به آن تصمیم پایبند باشیم. اختلاف در همین مسأله بود که به طور مثال جریان دوم خرداد را به تغییر در تصمیم‌گیری‌ها واداشت. آنها سالها بود که انقلاب اسلامی را یا تصمیمی از سر مقتضیات زمانه تفسیر می‌کردند و یا تصمیمی از سر بی‌خردی و جهل. اگر روشن شود که چرا انقلاب کردیم آنوقت می‌دانیم که چرا باید هزینه‌های انقلاب را همچنان بپردازیم.

۴. ضرورت تعیین تکلیف الهی

ما معتقدیم که بشر نسبت به وقایع گذشته حال و آینده باید موضع خود را مشخص کند. ما بایستی تکلیف خودمان را با واقعه عاشورا روشن کنیم همچنان که باید موضع خودمان را با ظهور و رجعت مشخص کنیم. همچنان که باید از عمل دشمنان خدا براثت بجویم.

انقلاب اسلامی هم از نوع وقایعی است که حداقل ما ایرانی‌ها بایستی تکلیف خودمان را به لحاظ تکلیف دینی با آن مشخص کنیم. نمی‌توان متدین بود و در ایران زندگی کرد و نسبت خودمان را با انقلاب اسلامی مشخص نکنیم.

درس دوم

مفهوم‌شناسی انقلاب

۱ - مفهوم انقلاب (Revolution)

انقلاب در لغت:

دگرگونی، برگشتن، تغییر و تحول عمیق

انقلاب در اصطلاح:

دگرگونی بنیادین جامعه توسط مردم به گونه‌ای که قبل و بعد آن به یکدیگر کاملاً متفاوت باشد.

گونه‌های انقلاب:

انقلاب صنعتی - انقلاب سیاسی - انقلاب اجتماعی - انقلاب فکری و علمی - انقلاب مخملی
مثلاً در انقلاب صنعتی، صنعت دچار تغییر بنیادین می‌شود.

۲ - مفاهیم مشابه

۱. کودتا

فرایندی که در آن گروهی از نظامیان با سرنگون کردن هیئت حاکمه به حاکمیت می‌رسند. و لزوماً مشارکت مردمی وجود ندارد.
نتایج عملی آن عمدتاً تغییرات سیاسی است. گاهی به تغییرات در ابعاد دیگر هم می‌انجامد.

کودتای انقلابی:

به برخی کودتاها گفته می‌شود. مانند کودتای «افسران آزاد» به رهبری جمال عبد الناصر در سال ۱۹۵۲ علیه رژیم سلطنتی ملک فاروق در مصر که پس از شورش‌ها و اعتصابات مردمی روی داد و به استقرار جمهوری، خروج نیروهای انگلیسی، اصلاحات ارضی و ... انجامید

۲. شورش

همانند طغیان، اغتشاش و قیام حرکتی است مقطعی و گاه مقدمه حرکتی انقلابی می‌شود. در بسیاری از موارد از مشارکت مردمی، ایدئولوژی جدید و برنامه‌ای برای تغییرات سیاسی اجتماعی برخوردار نیست. مانند قیام تحریم تنباکو و ۱۵ خرداد ۴۲

۳. اصلاح و رفرم

تغییرات تدریجی و جزئی که از سوی حاکمان به صورت قانونی و مسالمت‌آمیز انجام می‌پذیرد. مانند اصلاحات ارضی شاه، جریان اصلاحات دوم خرداد

۴. جنبش و نهضت

حرکتی معمولاً دراز مدت است که ممکن است انقلاب فقط بخشی از آن به شمار آید؛ مانند نهضت اخوان المسلمین در مصر یا نهضت امام خمینی (ره) که دست کم، پیشینه آن به اوایل دهه ۱۳۴۰ می‌رسد. نهضت ممکن است به شکل تلاش‌های فکری - فرهنگی آغاز شود سپس رنگ سیاسی و انقلابی پیدا کند.

البته گاه به حرکت‌های کوچکتر از انقلاب و بزرگتر از قیام، نهضت گفته می‌شود مانند نهضت مشروطیت. که با معنای اصلاح نیز نزدیک است.

۳- ویژگی‌های انقلاب

۱. نارضایتی عمیق از وضع موجود

- حالتی است که مردم و رهبران انقلابی دیگر آمیدی به اصلاح شرایط ندارند و تنها راه را براندازی نظام موجود میدانند.
- توضیح اینکه: چگونه شد که مردم ایران پس از سال‌ها برقراری نظام شاهنشاهی درصدد براندازی این نظام برآمدند. یعنی عبور از سلطنت خود نیازمند گذر زمان است. رسیدن یک جامعه به آرمان‌هایش بعد از بلوغ جامعه و عبور از دوران کودکی جامعه صورت می‌گیرد که این ممکن است سالها یا قرن‌های متمادی طول بکشد. چرا که اساساً عبور از پدیده‌های اجتماعی و هضم آنها بسیار سخت و طولانی است.
- توضیح اینکه تفاوت سلطنت صفوی، قاجاری و پهلوی چه بود: سلطنت‌های گذشته دارای شرایط یکسان نبودند. مثلاً صفویه دوره نسبتاً خوبی بود و گرایش‌ات مذهبی و همکاری با علما وجود داشته است. دوره قاجاریه هم شرایط خوبی داشته و شاهان قاجاری گرایش‌ات مذهبی داشته‌اند. اما دوره پهلوی شرایط بدتر و وخیم‌تری نسبت به دوره‌های قبلی داشته است.
- ایران با ایدئولوژی ولایت فقیه از سلطنت و قرن‌ها قبل‌تر با ایدئولوژی سلطنت از خلافت گذشت.

خلافت اسلامی ← سلطنت ایرانی ← انقلاب اسلامی

- عبور از دوره سلطنت کار بسیار دشواری بود، حتی در دوره مشروطه هم شاه کنار گذاشته نشد بلکه اختیاراتش محدود و مقید شد، اما در انقلاب اسلامی این مهم اتفاق افتاد و شاه به طور کلی کنار گذاشته شد.
- سؤال: دلیل اقبال بعضی از علما و فقها به سلطنت چه بود؟ ← جواب: اقبال بعضی از علما به سلطنت از باب «قدر مقدور» بود نه از باب «قدر مطلوب»

۲. ظهور و گسترش ایدئولوژی جدید

- تعبیر ایدئولوژی برای دین پذیرفته نیست. دین و ایدئولوژی از جهت مفهوم یکی نیستند.
- ایدئولوژی: الگوهای عقاید و اظهارات نمادینی که جهان را تعریف، تفسیر و ارزیابی می‌کند. مجموعه‌ای از عقائد و باورها که صورت‌گیری و عملیاتی و اجرایی پیدا می‌کنند.
- اسلام این ویژگی را دارد که از مجموعه معارف آن، یک ایدئولوژی انقلابی استحصال و تولید شود برخلاف ادیان دیگر چه الهی مثل مسیحیت و چه غیرالهی مثل بودایی. و در مذاهب و فرق اسلامی، مذهب شیعه بیشترین استعداد تولید ایدئولوژی انقلابی را دارد. برخی اعتقادات شیعه بستر ایجاد روحیه انقلابی هستند: مانند اجتهاد در بعد فکری و فقهی و عاشورا و مهدویت در بعد اعتقادی و عاطفی. (اینکه چطور شد که مذهب شیعه به مکتب انقلاب تبدیل شد / ظهور مکتب انقلاب از درون مذهب تشیع)
- هر چه ایدئولوژی انقلاب‌ها دقیق‌تر و شفاف‌تر باشد، نتایج انقلاب بهتر است. مثلاً در انقلاب فرانسه مردم فقط می‌خواستند آزاد باشند اما نمی‌دانستند تا کجا؟ اما در ایدئولوژی انقلاب اسلامی، این شفافیت وجود داشته است زیرا مردم قبل از پیروزی، آگاهی کامل از خواسته‌های بعد از انقلاب داشتند و این شفافیت در شعارهای قبل از انقلاب هویدا است «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و یا «ما خواستار حکومت اسلامی هستیم»

۳. وجود روحیه انقلابی

- توضیح اینکه چگونه مردم حال انقلاب پیدا می‌کنند؟ چگونه می‌شود که مردم تصمیم و عزم جدی داشته باشند برای تغییر وضع فعلی؟
- ما در طول تاریخ معاصرمان حرکت‌های مردمی علیه دستگاه حاکم و بیگانگان زیاد داشته‌ایم اما حال انقلاب کمتر در مردم ایجاد شده است. مانند قیام تحریم تنباکو که به رغم انتظار برخی مانند سید جمال، میرزای شیرازی این حال را در مردم ندید.
- انقلاب هزینه‌های زیادی دارد. مردم کشورهای عربی چطور حال انقلاب پیدا کردند. به نظر می‌رسد احساس سرشکستگی و پایمال شدن عزت آنها بود که این حال را در آنها ایجاد کرد. و این از تأثیرات انقلاب و جمهوری اسلامی است.

۴. رهبری و نهادهای بیدارگر و بسیج‌کننده

- وجود رهبری به ویژه رهبری واحد یکی از عوامل مهم انقلاب و تداوم آن است. عدم وحدت رهبری در نهضت مشروطه، باعث شکست آن شد.
- شیعه به نظر می‌رسد هیچ وقت دچار مرگ نمی‌شود. اما دچار خواب و سکون می‌شود.
- ابزارهای خاصی برای بیداری و تحرک‌آفرینی در شیعه وجود دارد که در دیگر مذاهب و ادیان نیست. مانند عدالت‌خواهی، تولی و تبری، عاشورا، مهدویت، انتظار

- تفسیر قرآنی بیداری: انسان‌ها یا مرده اند ← احیای مردگان کار وحی و پیامبران است. اینکه خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال ۲۴)

به صورت کامل زنده اند ← اینان همان اولیای الهی هستند

یا زنده اند

به صورت ناقص زنده اند (گاه دچار سکون و بی‌حرکی می‌شود و گاه دچار خواب و غفلت) ← مطابق روایت «العلماء ورثة الانبياء» این علما هستند که می‌توانند احیاگر و بیدارگر اینگونه انسان‌ها باشند. اما جالب اینکه بیدارگری بعد از موت اختیاری آن رهبر حاصل می‌شود. موتوا قبل ان تموتوا.

۵. مشارکت عمومی توده‌ها و مردم

- در انقلاب اسلامی مشارکت عمومی بی‌نظیر بوده است. تمام اقشار مردم در انقلاب نقش داشته‌اند برخلاف نظر برخی روشنفکران که می‌گویند انقلاب از محله‌های شمال شهر تهران به راه افتاد. (مهرنامه، زیباکلام)
- مهاجرت روستاییان به شهرها نقش مهمی در حضور عمومی مردم در انقلاب داشته است.

۶. مبارزه همراه با خشونت

برخی می‌خواهند با سوء استفاده از آمار کشته‌شدگان انقلاب اسلامی چهره شاه را دموکرات نشان دهند و یا دخالت دموکراتیک کشورهای بیگانه را در ایران قبل از انقلاب نشان دهند. اما باید گفت که اولاً- شاه از هیچ اقدامی فروگذار نکرد، ثانیاً- شاه یک آدم ترسو و عیاشی بود و اهل تدبیر و مدیریت و یا خشونت خود خواسته نبود.

شاه خودش می‌گوید: با مردمی که سینه خود را سپر گلوله کردند چه کار می‌شود کرد؟

در الجزایر (۱۹۶۲) حدود یک میلیون نفر

در ویتنام (۱۹۷۵) صدها هزار نفر

انقلاب کوبا (۱۹۵۹) حدود بیست هزار نفر

انقلاب نیکاراگوئه (۱۹۷۹) دو درصد جمعیت این کشور

انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) در ابتدا دویست نفر و بعداً صدها هزار نفر

انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷) ابتدا اندک بعد میلیون‌ها نفر

انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) حدود ۴۰۰۰ نفر

۷. تغییر ساختارهای اجتماعی - سیاسی جامعه

ساختارهای فرهنگی و سیاسی در انقلاب ایران به طور کامل تغییر کرد. اما ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به طور مستقیم تغییر نکرد. البته تغییر در ساختارهای فرهنگی و سیاسی تأثیر غیر مستقیم بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی داشت. به گفته برخی اساتید برخی تغییرهای ساختاری که قبل از انقلاب ایران صورت گرفته بود مانند تخت‌قاچو کردن ایلات و عشایر از جهت سیاسی به نفع انقلاب ایران شد. و همچنین برخی اقدامات مانند اصلاحات ارضی یا ذخیره‌سازی تسلیحات نظامی توسط شاه.

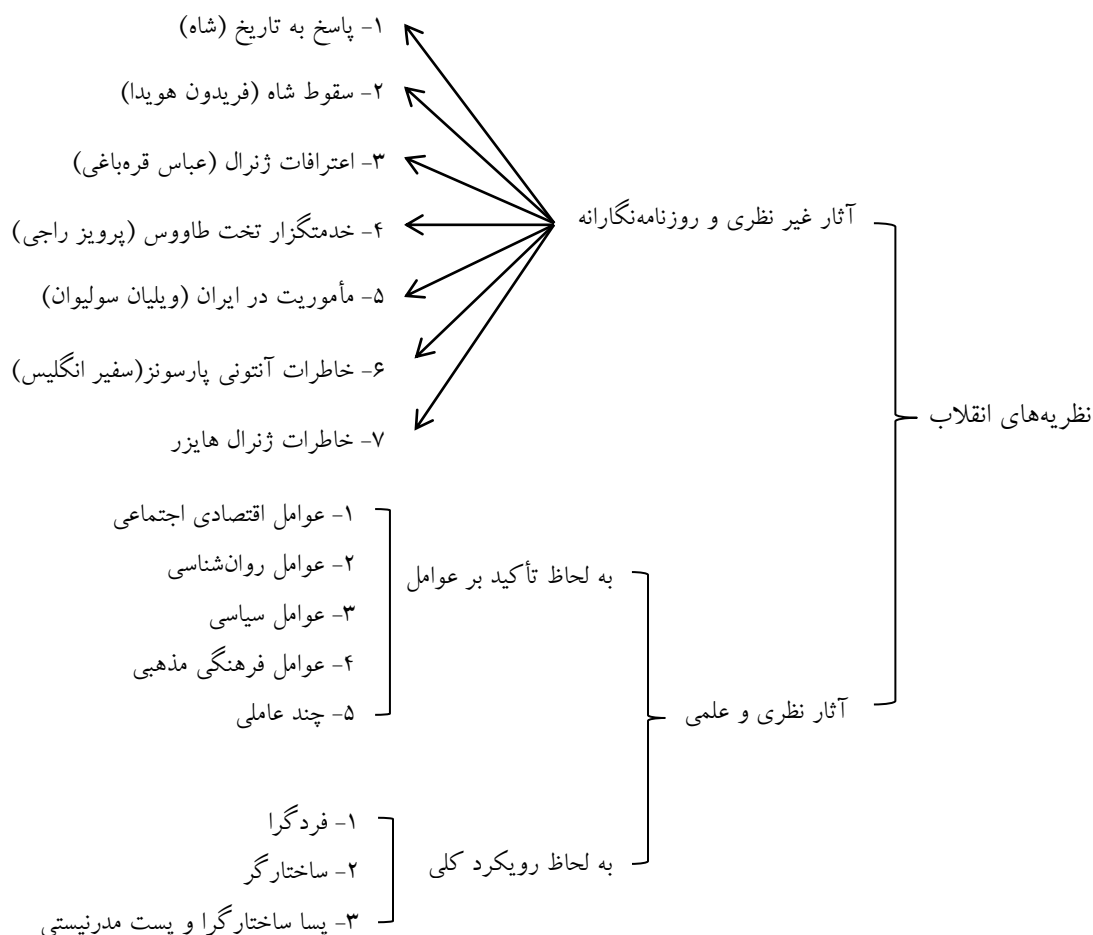
درس سوم نظریه‌های انقلاب

۱- چرائی نظریه پردازی غرب درباره انقلاب اسلامی ایران

سؤال: علت مطالعات غربی ها درباره انقلاب اسلامی ایران چیست؟

- شرق شناسی کلاسیک: مطالعات غرب درباره شرق ابتدا در قالب «شرق شناسی کلاسیک» بوده است و بعد از آن در قالب «علوم اجتماعی و شکل گیری شرق شناسی نوین». غرب به شرق توجه زیادی دارد و برای اینکه خودش را بهتر بشناسد، می خواهد شرق را بشناسد. نگاه غرب به شرق یک نگاه باستان شناسانه است، یعنی غرب، شرق را مثل یک موزه میداند، غربیان باور دارند که غرب، نمونه تکامل یافته شرق است و از آنجا که نزدیک ترین تمدن به تمدن غربی، تمدن اسلامی است، پس به مطالعات اسلام شناسی روی می آورند تا خودشان را بهتر بشناسند.
- اصالت دادن به مشکل نظری غرب: غرب با مسائل و مشکلات خودش به شرق و به انقلاب نگاه میکند، مثلاً میگویند چون مسلمانان قائل به توحید الوهیت هستند، این اعتقادشان باعث دیکتاتوری میشود ولی از آنجا که مسیحیت سه خدا را قبول دارد، این باعث تمایلشان به سوی دموکراسی میشود. غرب برای جهان «مسأله سازی» میکند.
- هراس بنیادین: ترس از اسلام به عنوان یک دین و افزایش قدرت دین در تأثیرگذاری بر جامعه، باعث روی آوردن به مطالعه درباره انقلاب میشود. غربی ها درباره انقلاب ایران میگویند: «خدایی که در رنسانس کشته شده بود، دوباره زنده شد.»
- کنترل تغییرات و مصادره به مطلوب
- محافظت و ترمیم نظریات خودشان: از آنجا که غربیان می پنداشتند که انقلاب ایران با هیچ یک از نظریه های انقلاب که در حوزه علوم سیاسی مطرح است، هماهنگی و مطابقت ندارد، به فکر توجیه و تفسیر انقلابِ ناهمگون با نظریاتشان افتادند.

۲- دسته‌بندی کلی نظریه‌های انقلاب اسلامی



تأکید بر عوامل اقتصادی	تأکید بر عوامل روانشناسی	تأکید بر عوامل سیاسی	تأکید بر عوامل فرهنگی - مذهبی	رهیافت چند علیتی به انقلاب
رابرت لونی ریشه‌های اقتصادی انقلاب ایران	ماروین زونیس شکست شاهانه	یرواند آبراهامیان «علل ساختاری انقلاب ایران» مبتنی بر نظریه انقلاب هانتینگتون	علی دوانی نهضت روحانیون ایران	مایکل فیشر ایران از اختلاف مذهبی تا انقلاب
تدا اسکاچیل «دولت تحصیل‌دارو اسلام شیعی در انقلاب ایران»	تحلیل بر اساس نظریه روانشناسی اجتماعی جمیز دیویس	بر اساس نظریه بسیج منابع چارلز تیلی مانند میثاق پارسا: ریشه‌های اجتماعی انقلاب و جerald گرین در مقاله «حمید بسیج به عنوان یک روش انقلابی»	حامد الگار ریشه‌های انقلاب اسلامی	نیکی کدی ریشه‌های انقلاب ایران
همایون کاتوزیان اقتصاد سیاسی ایران	تحلیل مبتنی بر مبانی نظریه محرومیت نسبی تد رابرتگر		آصف حسین ایران اسلامی؛ انقلاب و ضد آن	فرد هالیدی انقلاب ایران: توسعه ناموزون و مردم گرایی مذهبی
نظریه‌هایی بر اساس دینگاه مارکسیستی و نظریه نظام جهانی والراشتاین			گیلز کیل انتقام خدا	جان فورن مقاومت شکننده

۳- بررسی برخی نظریه‌ها درباره انقلاب اسلامی ایران

۱. نظریه تدا اسکاچیل [عوامل اقتصادی اجتماعی]

اسکاچیل نظریه اش را در مقاله ای با عنوان «دولت تحصیل دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران» مطرح کرد. دولت تحصیل دار: یعنی دولتی که درآمد آن دولت از طریق دولت های دیگر تأمین میشود مثلاً از طریق فروش نفت. بعبارة آخری- سرمایه آن کشور از بیرون مرزها می آید.

اجزای نظریه:

- ۱- دولت پهلوی به مثابه یک دولتی رانتیر (= تحصیل دار) است.
 - ۲- در دولت پهلوی سرمایه گذاری در غیر بخش کشاورزی بوده است که نتیجه آن مهاجرت روستائیان به شهرها بوده است.
 - ۳- در دولت پهلوی اولویت در نوسازی صنعتی و نظامی بوده است که نتیجه آن جذب کارگران خارجی بوده است.
 - ۴- ارتباط بازار با روحانیت به مثابه کانون مخالفت های شهری.
 - ۵- تأثیر ایدئولوژی شیعه در انقلاب ایران (اسطوره بنیادین: شهادت مشتاقانه امام حسین (علیه السلام)).
 - ۶- نقش ویژه رهبری در انقلاب ایران (در اختیار داشتن منابع فرهنگی و ایدئولوژیکی).
- در نظریه تدا اسکاچیل، اصل: دولت تحصیل دار بودن است و فرع: اسلام شیعه در انقلاب ایران است.
- نقد:** دولت تحصیل دار بودن نمیتواند ریشه اصلی انقلاب باشد، زیرا بقیه کشورهای اسلامی هم دولت تحصیل دار داشتند اما انقلابی صورت نگرفته است.

۲. نظریه ماروین زونیس [عوامل روان‌شناسی]

ماروین زونیس نظریه اش را در کتابی با عنوان «شکست شاهانه» مطرح کرد.

این نظریه مبتنی بر تحلیل وضعیت روانی شاه ایران است.

شخصیت شاه: ترسو، بی کفایت، تربیت شده کانون های زنانه که فقط با عوامل بیرونی تقویت میشد، که این عوامل عبارتند از:

- ۱- ارنست پرون سوئیسی که دارای روابط حسنه با شاه بود.
- ۲- علّم، نخست وزیر شاه
- ۳- اشرف، خواهر شاه

۴- اعتماد شاه به حمایت الهی و اینکه خدا نتوانست از او حمایت کند

۵- تصور نادرست شاه از پشتیبانی آمریکا؛ کارتر رئیس جمهور آمریکا شعار حمایت از حقوق بشر داد و شاه تصور کرد از سوی آمریکا دیگر حمایت نخواهد شد.

نقد: اینکه علت یک انقلاب بزرگ، شخصیت روانی و خصوصیات فردی یک شخص باشد، دور از واقعیت است. مسائل متعددی در یک انقلاب تأثیرگذار است مثل مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و شخصیت روانی یک شخص اگرچه تأثیرگذار است ولی علت تامه وقوع یک انقلاب نیست.

۳. نظریه جیمز دیویس و منحنی J [عوامل روان‌شناسی]

نظریه جیمز دیویس، جمع بین این دو نظریه است:

الف) نظریه مارکس: مارکس معتقد بود که شرایط بد اقتصادی می‌تواند طبقه کارگر را وادار به انقلاب کند.

ب) نظریه دوتوکویل: دوتوکویل با بررسی انقلاب فرانسه گفت که شرایط نزدیک به انقلاب فرانسه بهتر از قبل بوده است.

دیویس با جمع بین این دو نظریه معقد شد که: انقلاب‌ها معمولاً پس از مدت طولانی از رشد عینی اقتصادی و اجتماعی و یک دوره کوتاه مدت عقب‌گرد سریع اتفاق می‌افتد به این معنا که در آن دوره ای که جامعه از رشد اقتصادی بالایی برخوردار است، انتظارات مردم زیاد می‌شود و پس از رکود اقتصادی و وخیم شدن شرایط اقتصادی، مردم تصمیم به انقلاب می‌گیرند. (انقلاب‌ها پس از فراز و فرود رخ می‌دهند)

نقد: در قبل از انقلاب ایران اگر چه قیمت نفت افزایش یافته بود اما پول نفت هزینه مردم نمی‌شد و مردم احساس رشد اقتصادی و رفاه نداشتند تا انتظاراتشان زیاد شود تا با پائین آمدن قیمت نفت، به فکر انقلاب بیافتند.

۴. نظریه میشل فوکو

نظریه میشل فوکو دارای دو محور است:

الف) محور اول: شکست مدرنیزاسیون در ایران

ب) محور دوم: ویژگی‌های مذهب شیعه، نقش امام زمان، نقش روحانیت در حفظ دین و نحوه ارتباط با مردم

بررسی: چون میشل فوکو خودش را از چهارچوب نظری مدرنیزاسیون خارج کرد، انقلاب ایران را بهتر از دیگر غربی‌ها فهمیده است.

درس چهارم ریشه‌های فکری و تاریخی

۱. عقلانیت اسلامی - شیعی

۲. فقاها و اجتهاد شیعی

۳. فرهنگ سیاسی شیعه

ریشه‌های فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی

۱. عقلانیت اسلامی - شیعی

یعنی یک دستگاه منظم فکری و یک هندسه معرفتی که دارای ویژگیهایی می باشد که این ویژگی ها در دو دسته مبانی و مفاهیم جای دارند.

۱- آرمان گرا و واقع گرا

فاصله میان آرمان و واقعیت یکی از معضلات فکری بشر است. چگونه میتوان آرمان را به واقعیت تبدیل کرد. ۳_ نظریه وجود دارد:

(۱) نظریه ماکیاولی(غربی): باید دست از آرمان ها برداشت بلکه باید آرمان ها را در واقعیت ها جُست. آرمان همان واقعیت است. در دیدگاه غربی آرمان ها به سمت واقعیت کشیده می شوند.

(۲) نظریه اهل سنت: اهل سنت تسلیم واقعیت ها هستند. آنها میگویند « الحق لمن غلب » که لازمه اش نفی فعالیت ها برای رسیدن به آرمان هاست. یعنی بین آرمان و واقعیت فاصله ای نیست.

(۳) نظریه شیعه: در اندیشه اسلامی و شیعی واقعیت ها به سمت آرمان ها کشیده می شوند. بین آرمان و واقعیت فاصله وجود دارد و به این خاطر نباید آرمان ها را تغییر داد و باید خودمان را به آرمان ها برسانیم نه اینکه آرمان ها را به سطح واقعیت ها تنزل دهیم بلکه واقعیت ها باید تعالی یابند. ایستادگی و پایداری روی آرمان سرانجام آن را به واقعیت تبدیل میکند.

۲- باطن گرا و ظاهر گرا

- مکاتب سه نوع هستند: (۱) باطن گرا: اسماعیلیه (۲) ظاهر گرا: اخباری گری، وهابیت (۳) باطن گرا و ظاهر گرا: شیعه ۱۲ امامی - فقه و عرفان اسلامی هر کدام کار ویژه ای جهت پیشرفت در تاریخ دارند. فقه، عرفان، فلسفه و کلام هر کدام وجوهی از عقلانیت اسلامی - شیعی هستند. در انقلاب از تمام ظرفیت شیعه استفاده شد.

- رهبر انقلاب چه کسی بود: امام عارف یا امام فیلسوف، یا امام فقیه؟

- تحلیل اقدامات امام زین العابدین بعد از قیام عاشورا نشان می دهد که گرایش به سمت درون، خود نوعی تدارک است.

- شیعه بین ظاهرگرایی و باطن گرایی حرکت می کند. اگر باطن گرا شود می شود اسماعیلیه و اگر ظاهر گرا شود می شود اخباری گری. که هیچ کدام خط اصیل شیعه ای نیستند که انقلاب اسلامی را به وجود آورد.

- اگر مکتبی فقط باطن گرا باشد یا فقط ظاهر گرا باشد، با ضدت خود میتواند جمع شود مثل اسماعیلیه و بهائیت(باطن گرا) و اخباری گری و وهابیت(ظاهر گرا) که با دشمنان اسلام هیچ دشمنی ندارند، برخلاف شیعه که مرز خود را با دشمنان اسلام حفظ میکند چون هم باطن گراست و هم ظاهر گرا.

۳- الهی و عرفی

دین اسلام جایگاه مهم و کلیدی به مردم و عرف اجتماعی داده است. بر خلاف جریان روشنفکری که زبان مردم را نمی شناسند، گفتمان انقلاب هم دارای ریشه های الهی است و هم خود را در قبال مردم مسئول میداند.

نقل است مرحوم بروجردی می گفتند من اول که مرجعیت یافتم فکر می کردم از ما گفتن و از مردم شنیدن و اطاعت کردن، بعد دیدم نه اینجورها نیست. بلکه گاه چیزهایی می گویم و مردم عمل نمی کنند.

مفاهیم: یعنی اموری که تعیین تکلیف نسبت به آنها در انقلاب اسلامی مؤثر است، بعبارة آخری- این ها مفاهیم دینی هستند که در آستانه انقلاب مورد بازبینی قرار گرفتند و تعریف دقیق و موضع گفتمان انقلاب درباره آن مفاهیم باید مشخص می شد.

۱- دین و سیاست

این یکی از مباحث جنجالی در آستانه انقلاب بوده است. سؤال این است که آیا پیشوایان و مراجع دینی وظیفه دخالت در سیاست دارند یا نه؟

نکته ای که باید توجه کرد این است که عدم دخالت بعضی از بزرگان مثل مرحوم بروجردی و خویی در سیاست را نمیتوان به این دلیل دانست که آنان سیاست را از دیانت جدا میدانند.

تجربه تلخ مشروطیت و برخی مسائل دیگر باعث شده بود که برخی علما در امور سیاسی دخالت نکنند. مانند مرحوم بروجردی که ورود در سیاست را در آن زمان به مصلحت دین نمیدانستند اما در مقابل، امام خمینی رحمه الله عدم ورود در سیاست را به مصلحت دین نمیدانستند. مرحوم بروجردی می گفتند: «خیلی ها به من ایراد می گیرند که چرا دست به کار نویی نمی زنم. واقع این است، از وقتی در نجف اشرف دیدم استاد آخوند خراسانی و مرحوم نایینی در امر مشروطه دخالت کردند و آن طور شد که همه می دانیم، حساسیت خاصی نسبت به این قبیل امور پیدا کرده ام، به طوری که در موقع تصمیم گیری برای اقدام به این کارها دچار وسوسه و دودلی می شوم، و گاهی هم بلافاصله بعد از دستور پشیمان شده، تغییر رأی می دهم، چون ما درست وارد اوضاع نیستیم، می ترسم ما را فریب دهند و منظوری که داریم درست انجام نگیرد و باعث پشیمانی شود و احیاناً لطمه به دین و حیثیت اسلامی وارد کنند. مخصوصاً در این سن و سال که نمی توانم درست به این قبیل کارها برسم و در اطراف آن فکر کنم» (دوانی، زندگانی زعیم بزرگ...: ۳۵۲)

همچنین مرحوم مرعشی نجفی با همین استدلال وارد مباحث سیاسی نمی شد که دیگر وقتی برای جبران ندارم.

۲- تقیه و انتظار

برداشت های غلط از تقیه و انتظار باعث می شد که برخی علما و مؤمنین وارد مبارزه با رژیم شاه نشوند. اما امام و برخی یاران ایشان همانند شهید مطهری و دیگران در مقابل این برداشت ها ایستادند.

انجمن حجتیه با مفاهیمی مانند: سکوت گذرگاه تجهیز یا می گویند: باید هوشیار در درون کمینگاه صبر و پشت سنگر تقیه و زیر پوشش کتمان و سکوت منتظر ظهور بود، قیام را مفید فائده نمی دانستند.

باید دانست که تقیه «حفظ دین» است نه «حفظ جان».

تقیه و انتظار مفاهیمی دوپهلو هستند، هم برداشت «منفعانه» میتوان از این مفاهیم داشت و هم برداشت «فعالانه». بدیهی است که برداشت «فعالانه» از این مفاهیم، زمینه ساز انقلاب خواهد شد.

۳- جهاد و شهادت

طرح مباحث مربوط به قیام امام حسین. بحث های پیرامون شهید جاوید و حماسه حسینی شهید مطهری.

نهضت کربلا دو پهلو بوده است: الف) هم میتواند توجیه گر جهاد و مبارزه باشد ب) و هم میتواند توجیه گر قانع شدن به مظلوم ماندن و ستم پذیری باشد.

اگر اقدام امام حسین علیه السلام را غیرعقلانه دانستیم، این تلقی و باور، مولد یک حرکت انقلابی نخواهد شد.

۲- فقاقت و اجتهاد شیعی

سیر تاریخی ظرفیت اجتماعی فقه و روحانیت

محدث ← فقیه و مجتهد ← مرجع تقلید ← ولی فقیه

دوره اول: محدث (استدلال روایی)

در این دوره روحانیت به جمع آوری روایات می پرداختند و از استدلال فقهی و بحث پیرامون متن حدیث دور بوده اند. این دوره تا زمان شیخ طوسی رحمه الله ادامه داشته است.

دوره دوم: فقیه و مجتهد (استدلال فقهی)

این دوره از زمان شیخ طوسی رحمه الله و با اقدامات ایشان شروع شده است. در این دوره فقیه، فهم خود را در تفسیر روایات دخالت می داد و روایات را با معیار عقل محک می زدند. اما نکته ای که هست اینکه در این دوره، روحانیت رابطه ای با مردم که بر اساس الگوی مرجع تقلید و مقلد باشد، نداشتند.

دوره سوم: مرجع تقلید (رابطه اجتهاد و تقلید)

تا اینکه حرکت اخباری گری شکل گرفت و پس از اقدامات مرحوم وحید بهبهانی و انقراض حرکت اخباری گری، مکتب اصولی بر پایه اجتهاد و تقلید شکل گرفت اما به صورت پراکنده و متعدد (یعنی به تعداد مناطق جغرافیایی، مرجع تقلید وجود داشت) تا اینکه در زمان شیخ انصاری بحث مرجعیت عام شیعه مطرح شد و یک نفر به عنوان مرجع تقلید معرفی می شد.

در این دوره بحث اقتصادی خمس تحول یافت. تا قبل از این دوره، مردم خمس خود را در زیر خاک دفن میکردند با این عقیده که این مال، متعلق به امام زمان علیه السلام است و بعد از ظهور، حضرت خودشان آن ها را از زمین استخراج می کنند. اما در این دوره این طور مطرح شد که هیچ اشکالی ندارد که سهم امام زمان علیه السلام در راهی که مورد رضایت ایشان است مصرف شود و به این ترتیب در راه اعتلای مذهب شیعه از سهم امام زمان علیه السلام استفاده می شد.

نتیجه اینکه دولت در مقابل دولت شکل گرفت تا آنجا که گفته شد: دولت، فراش باش روحانیت است.

دوره چهارم: ولی فقیه (رابطه امام و امت)

۳- فرهنگ سیاسی شیعه

۱- آرمان خواه و کمال جو

مهدویت و آرزوی رسیدن به جامعه مهدوی و اعتقاد به امام موجود آرمان ها را در نظر مردم ایران کمرنگ نمی کند و همیشه همچون افقی مد نظر آنان است.

۲- عدالت خواه و ظلم ستیز

زنده بودن عاشورا و فرهنگ شهادت در بین مردم ایران، آنان را همواره ظلم ستیز و شهادت طلب ساخته است.

۳- آزادی خواه و مشارکت جو

آیا جامعه ایران و به طور کلی شرق به گفته هگل و خاورمیانه به گفته روشنفکران امروز فرهنگ استبدادی دارد. استبداد باعث عدم شکوفایی استعداد مردم ایران شده بود.

۴- منعطف و متساهل

منظور اینکه همیشه راه اعتدال را در پیش می گیرد. ایرانیان هیچ وقت اهل تعصب و خشک مقدسی نبودند. تا جایی که روشنفکران از این روحیه به عنوان شاخص فرهنگی ایران یاد می کنند.

ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی

۱. نهضت تحریم تنباکو

• چگونگی نهضت

- ۱۳۰۶ قول امتیاز به تالبوت انگلیسی در سفر فرنگ توسط ناصرالدین شاه برخی معتقدند ناصر الدین شاه در سفر فرنگ خود را به بی‌توجهی به مسائل کشور می‌زد. در حالی که او می‌خواست با این کار موازنه قوا کند. و دادن امتیازها نیز در همین راستا بود.
- ۱۳۰۸ ورود کارگزاران و نمایندگان به ایران نقل است تعداد زیادی از انگلیسی‌ها به مرور وارد تهران شدند برخی منابع سخن از ۲۰۰ هزار نفر می‌زنند. قرار بود بار انگلیسی‌ها تفتیش نشود اما یک بار بر حسب اتفاق تفتیش شد و مقدار زیادی اسلحه و نارنجک و غیره کشف شد.
- ۲۸ رجب ۱۳۰۸ واگذاری امتیاز و اعلام عمومی
- اواخر ۱۳۰۸ قیام مردم فارس و تبریز
- ذی الحجه تا ربیع الثانی ۱۳۰۸ رد و بدل شدند ۲ نامه میان میرزا و شاه
- ۱۳۰۹ تحریم در اصفهان، شیوع حکم تحریم میرزا و شیوع حکم جعلی جهاد حکم جهاد به این مضمون: «هرگاه تا روز دوشنبه کار تنباکو موقوف نشود، جهاد خواهد شد و تمام فرنگی‌ها و اتباع آن‌ها را خواهیم کشت». این شایعه دروغین، چنان شوری در مردم ایجاد کرد که بسیاری از مردم مهیای جهاد شدند و برخی در تدارک اسلحه و وسایل برآمدند. حتی صدای وداع و ناله مردم با خانواده خود در کوچه‌ها بلند شده بود که تا چندین خانه به گوش همسایگان می‌رسید. از آن طرف، فرنگیان مقیم تهران، همگی به سختی مضطرب و پریشان شدند و برای حفظ خودشان از دولت اطمینان طلبیدند. این امر موجب شد که بر اضطراب بزرگان دولتی و حتی زنان حرام‌سرا، بیش از پیش افزوده شود؛ لذا شخص ناصرالدین شاه، به عالم بزرگ پایتخت؛ میرزای آشتیانی، نامه مفصل و تهدیدآمیزی نوشت. البته میرزای آشتیانی نیز در مقابل، جوابی سخت‌تر به او داد؛ بطوری که شاه مجبور شد پس از آن، نامه ملایم‌تری نوشته و دلجویی کند.
- جمادی الثانی ۱۳۰۹ اخطار شاه به میرزای آشتیانی، قیام مردم، دستور لغو
- ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۰۹ حکم حلیت تنباکو

• نتایج و پیامدها

۱. تأثیر مرجعیت و میزان نفوذ آن

در این اطاعت کار به جایی می‌رسد، که تاجر بزرگ فارس «دوازده هزار کیسه تنباکو موجود در انبار» را برای اینکه به فرنگیان نفروشد، آتش می‌زند و در جواب آنان می‌گوید: «این تمامی دوازده هزار کیسه است که یکسره به خدا فروختم».

«مردم اوباش بلد و به اصطلاح وقت، [آداس] مَشْتی‌ها، که از [صبح تا شام] از هیچ رو باکی از هیچ‌گونه مناهای و معاصی ندارند، به غیرت اسلامیت، چپق‌ها را یکسره شکستند و شکسته چپق‌ها را بر تختگاه اداره [دخانیة] کمپانی انداختند. از این جماعت مَشْتی‌ها، این کلمه به‌فرونی شنیده می‌شد: من عرق (مشروب) را علانیةً و برملاً می‌خورم و از هیچ کس هم باکی ندارم؛ ولی چپق را تا آقای میرزا حلال نکند، لب نخواهم زد؛ و نیز این کلمه که می‌گفتند: [کراراً مسموع افتاد] عرق را به امید شفاعت صاحب‌الزمان (عج) می‌خورم؛ ولی چپق را به چه امید بکشم؟»

کلفت‌های انیس‌الدوله مشغول پیاده کردن قلیان‌های نقره و طلای مرصع بودند و خودِ انیس‌الدوله، ناظر به عمل خدمتکاران بود. شاه از انیس‌الدوله پرسید: «خانم، چرا قلیان‌ها را از هم جدا و جمع می‌کنند؟». جواب داد: «برای آنکه قلیان حرام شده». ناصرالدین شاه روی درهم کشیده و با تغییر گفت: «که حرام کرده؟!». انیس‌الدوله «با همان حال» گفت: «همان کس که مرا به تو حلال کرده». شاه هیچ

نگفت و برگشت و برای آنکه مبادا به احترامش لطمه وارد آید، بعد از آن به هیچ‌یک از نوکران خود دستور نمی‌داد قلیان بیاورند، و در تمام دربار قلیان‌ها را جمع کردند.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در خاطرات خود چنین نقل می‌کند:

«جمعه، نهم [جمادی‌الاول]: ... صبح، امین‌الدوله به دیدن [من] آمد. می‌گفت: منع تنباکو به قدری است که سه‌چهار روز قبل، به جهت عیال من قلیان می‌آوردند. بنا و عمله که مشغول کار بودند، دست از کار کشیدند و رفتند. پرسیدم: چرا می‌روید؟ بنا جواب داد: [در] خانه‌ای که بدین وضوح بی‌دین باشند که قلیان بکشند، ما کار نمی‌کنم»

۲. شکست ابهت شاه و نظام شاهنشاهی

مرحوم مدرس درباره اینکه نهضت تنباکو توانست به مشروطه ختم بشود دلیلی می‌آورد که قابل توجه است. ایشان بقای حکومت‌ها را در احترامی می‌بیند که مردم به آنها قائل هستند. قیام تحریم تنباکو احترام حکومت را نزد مردم از بین برد و وقتی احترام حکومت از بین برود به تعبیر مرحوم مدرس به درختی می‌ماند که دیگر شکوفه نمی‌دهد. برای اولین بار، در نهضت تحریم بود که زن‌ها در نهضت شرکت کردند و ناصرالدین شاه را، شاه باجی سیبیلو خواندند. کسی که تا دیروز ظل الله بوده، حالا باجی سیبیلو شده است

۳. حفظ تمامیت ارضی کشور

انگلیسی‌ها به بهانه محافظت از کمپانی، شروع به وارد کردن اسلحه در ایران و ساختن قلعه با برج و بارو در مراکز استان‌ها کردند، و این قلعه‌ها را با توپخانه مجهز ساختند. با چند برابر مزد، کارگر ایرانی اجیر کردند، و بازرگانان و کشاورزان توتون و تنباکو را در فشار مضاعف قرار دادند. جالب اینکه دولت و مأموران دولتی، تحت فرمان عوامل انگلیسی رژی بودند و در برابر مردم، از آنها حمایت می‌کردند. این وضعیت اگر ادامه می‌یافت، تمامیت ارضی ایران از دست می‌رفت؛ کاری که انگلیسی‌ها قبلاً آن را در هند تجربه کرده بودند

۴. هراس بیگانگان از مرجعیت شیعه

سخنان سفیر روس در یک مهمانی که سفرای کشورهای دیگر را دعوت کرده است: با اشاره به تبعیت فوری مردم از حکم تحریم میرزا، نسبت به این قدرت عظیم اجتماعی هشدار داده و اعلام خطر می‌کند که اگر چنین فتاوایی در مورد برخی کالاهای خارجی دیگر داده شود و یا حتی به طور کلی کالاهای خارجی تحریم شود، منافع اقتصادی همه ما به خطر می‌افتد و بالاتر از این اگر فتوایی در مورد قتل اتباع خارجی در ایران صادر شود، بلوایی عظیم به راه خواهد افتاد که از دست ما هیچ کاری بر نخواهد آمد.

امپراطور روس تزاری، پس از قیام موفق تنباکو، به خیال خود، فرصت را برای بهره‌برداری از اوضاع پیش‌آمده، غنیمت شمرد و در نامه‌ای به میرزا، که مؤدبانه و بااحترام کامل بود، نوشت: «من اوامر شما را در ممالک روسیه، نسبت به مسلمانان اجرا می‌کنم و حاضرم برای پیشرفت مقاصد شما در مملکت ایران هر اقدامی بنمایم». میرزای شیرازی که از فراست و کیاست بالایی برخوردار بود، دانست که سلام گرگ بی‌طمع نیست و روس‌ها در هر صورت به دنبال منافع کشور خودشان هستند و هیچ‌گاه خیرخواه ملت مسلمان و ایرانیان نیستند؛ به همین جهت، به رغم این که سرکنسول روس، دو سه روز در کشتی توقف کرده تا اذن ملاقات با میرزا را بگیرد، از پذیرفتن و ملاقات با او عذر می‌خواهد و به بهانه این که آداب‌نامه‌نگاری با امپراطور را نمی‌داند، از دادن جواب امتناع می‌کند و صرفاً پیغام می‌دهد که شما از طرف من به امپراطور اظهار امتنان بنویسید. انگلیسی‌ها نیز در رقابت با روس‌ها، با همین مضامین، نامه‌ای از طرف پادشاه انگلستان برای میرزا فرستادند و به وسیله کنسول خود پیغام دادند که انتظار جواب ندارند و فقط ممنون می‌شوند که میرزای شیرازی، نامه را قبول کند.

۵. اولین مرحله بیداری اسلامی

۲. نهضت مشروطه

- مقدمات مشروطیت (اهانت نوز، اهانت به علما، تنبیه تجار)
- ۲۰ شوال ۱۳۲۳ مهاجرت صغری
- ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۴ مهاجرت کبری
- جمادی الاولی و ثانی ۱۳۲۴ تحصن در سفارت انگلیس
- ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطه
- ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ برقراری مجلس
- نگارش اصل و متمم قانون اساسی

دوران نگارش متمم قانون اساسی (۲۰ خرداد ۱۲۸۶) پرتلاطم ترین دوران مشروطه بود. از طرفی اختلاف‌ها بروز کرده بود و از طرف دیگر برخی گروه‌های تندرو درصدد بودند اهداف خود را تبدیل به قانون کنند درست به تحریک مردم برای تعجیل در تصویب متمم قانون می‌کردند. در این وضعیت شیخ فضل الله که تلاش تندروها را دید از کار کناره گرفت و در حرم عبدالعظیم متحصن شد.

- ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ به توپ بستن مجلس و دوران استبداد صغیر
- ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ فتح تهران
- ۱۳ رجب ۱۳۲۷ اعدام شیخ فضل الله

- | | |
|------------------------------|------------|
| ۱- تجربه ناتمام در نظام سازی | نتایج منفی |
| ۲- نفوذ بیگانه | |
| ۳- سرخوردگی علما | |
| ۴- استبداد روشنفکری و مدرن | |
| ۵- هرج و مرج و افراطکاری | |